

فصلنامه‌ی مطالعات تاریخ ایران اسلامی سال اول - شماره دوم - تابستان ۱۳۹۱

واپسین عالم ناشناخته اخباری، آیت الله سید حسین عرب باغی*

رضا دهقانی**

استادیار دانشگاه تبریز

داود قاسم پور

دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی دانشگاه تبریز

چکیده

جریان اخباریگری، یکی از جریان های اصلی فقهی - کلامی شیعه است که در کنار جریان اصولی، اصلی ترین جریانات تشیع به حساب می آید. این جریان اگرچه ریشه در قرون نخستین اسلامی دارد و تا عصر قاجار با فراز و فرود به حیات خود ادامه داد در دوره مذکور با تلاش های پیگیر عالمانی چون آیت الله وحید بهبهانی و شاگردش کاشف الغطا، به حاشیه رانده شد. با این وجود در گوشه و کنار سرزمین پهناور ایران، علما و روحانیونی بودند که هنوز به رواج این تفکر می پرداختند و از جمله این علما، آیت الله سید حسین موسوی عرب باغی، از روحانیون اخباری معاصر بود که در ارومیه اقامت داشت و آثار فراوانی در این حوزه نگاشت.

جستار حاضر بر آن است تا به معرفی و بیان آرای این عالم پرکار اخباری پردازد و علل گرایش آیت الله سید حسین عرب باغی، به این نحله فکری را در این خطه از سرزمین ایران مورد بررسی و مذاقه قرار دهد.

واژگان کلیدی

تشیع، اخباریون، ارومیه، آیت الله عرب باغی

* - تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۰۳/۱۷ تاریخ تصویب: ۱۳۹۲/۱۰/۲۸

** - نشانی پست الکترونیکی نویسنده: rdehghani@tabrizu.ac.ir

مقدمه

شهر ارومیه، یکی از شهرهای آذربایجان است که از تاریخی کهن برخوردار است. این شهر، از قدیم‌الایام مسکن اقوام و تیره‌های مختلف مذهبی و نژادی بوده که با گذر قرن‌ها هنوز هم آن تنوع را حفظ کرده است. به خصوص در دوره معاصر که این تنوع، ابعاد مختلف و پیچیده‌ای به خود گرفت و منجر به تعاطی افکار و اندیشه‌ها گردید. حضور اقلیت‌های دینی مسیحی، یهودی و زرتشتی در کنار اکثریت شیعی و نیز حضور اهل سنت در روستاهای اطراف شهر، از جمله نمودهای این تنوع به شمار می‌آید. حضور این اقلیت‌ها باعث اعزام مبلغان مذهبی از کشورهای غربی به این شهر از اواسط قرن نوزدهم شد، به نحوی که در اواخر آن قرن، اغلب جریان‌های مذهبی مسیحی در این شهر نمایندگانی داشتند و سعی می‌کردند ابتدا مسیحیان مقیم این شهر و سپس مسلمانان را به آیین خود دعوت کنند. تحت تأثیر حضور مسیونرها و مبلغان مسیحی، نخبگان شهر نیز با افکار و مکاتب غربی آشنا شدند که علمای مسلمان از آن جمله نخبگان بودند. چنین بستر اجتماعی در کنار فقدان حوزه دینی قوی در ارومیه و دوری از مراکز تفکر اصولی، زمینه ساز گرایش به جریان اخباریگری در این بخش از کشور شد. احیای نحله مزبور در این شهر و مناطق پیرامونی آن در واقع با نام عالم دینی ارموی، آیت الله سید حسین موسوی عرب باغی گره خورده است که هرچند عالمی وارسته و صاحب قلم است، به عنوان یکی از واپسین عالمان اخباری مسلک کمتر در نزد اهل تحقیق شناخته شده است و ما در این مقاله به معرفی وی و آرای و عقاید ایشان خواهیم پرداخت، اما قبل از چیز ضروری به نظر می‌رسد مروری بر سیر جریان اخباری در طول حیات تشیع داشته باشیم.

جریان اخباریگری، یکی از نحله‌های فکری بود که از دل آیین تشیع سر برآورد و به مکتبی قوی در سده‌های آغازین اسلامی تبدیل شد و در قرن سوم و چهارم هجری، جایگاه خود را در شهر قم، به عنوان مرکز این تفکر حدیث محور، مستحکم کرد. این جریان در قرن چهارم و پنجم توسط شیخ مفید و شاگردانش به چالش کشیده شد و در قرن هفتم نیز از جانب علامه حلی، به شدت مورد نقد قرار گرفت. بر اثر این نقدها، این جریان به حاشیه رانده شد تا این که در دوره صفویه دوباره اوج گرفت و به جریان غالب در حوزه‌های علمیه شیعی تبدیل شد. این جریان در نهایت در قرن سیزدهم هجری به وسیله علامه وحید بهبهانی مورد حمله و هجمه علمی شدید قرار گرفت و با تلاش‌های علمی او و شاگردانش منکوب شد، ولی باورمندان به آن جریان، به صورت فردی به فعالیت‌های علمی خود ادامه دادند و آیت الله سید حسین موسوی عرب باغی یکی از معدود علمای اخباری بود که در ارومیه، تحت تأثیر تحولات فرهنگی - اجتماعی آن شهر، به تالیف آثاری در این زمینه پرداخت. او اگرچه آشکارا خود را اخباری نمی‌دانست ولی با نگاهی به آثار او می‌توان به وضوح، گرایش اخباریگری او را مشاهده کرد.

گفتنی است که درباره افکار و دیدگاه‌های این عالم دینی تاکنون هیچ کتاب یا مقاله‌ای منتشر نشده است. این موضوع متأثر از جایگاه معنوی او در بین مردم ارومیه نیز بود که به زهد، تقوی و

مردمداری معروف بود و زندگی زاهدانه او کمتر مجال پرداختن به آرا و دیدگاه‌های او را می‌داد، چنین تلقی از شخصیت این عالم وارسته باعث شده است که امروزه مقبره او به عنوان یکی از اماکن متبرکه شهر ارومیه مورد احترام دوستداران وی قرار گیرد.

پرسشی که در اینجا مطرح است این است که چرا علی‌رغم بی‌رونق بودن تفکر اخباری در حوزه‌های علمیه ایران، جریان مزبور در ارومیه و مناطق پیرامونی آن به وسیله آیت‌الله عرب باغی احیا و پیگیری می‌شود، فضای اجتماعی ارومیه چه نقشی در این احیاء دارد و پیرو آن چه عناصری در تفکر و آرای عرب باقی برجستگی بیشتری دارد. در این مقاله کوشش بر آن است با توجه به محور تحقیق و اتکا به منابع اصلی به ویژه آثار و نوشته‌های آیت‌الله عرب باغی به پرسش‌های مذکور پاسخ‌های بسنده و در خوری داده شود.

۱. تاریخچه اخباریگری

دین اسلام نیز به سان دیگر ادیان توحیدی، پس از رحلت بنیان‌گذار و پیامبر آن دین، دچار گروه‌بندی و فرقه‌گرایی شد و دو مذهب بزرگ تشیع و تسنن از دل آن سر برآورد. فارغ از این دو مذهب، در درون هر یک از این دو، نحله‌های فکری متعددی ایجاد شد. از جمله در میان اهل سنت دو روش فقهی اهل حدیث و اهل قیاس ایجاد شد اما آیین تشیع، به خاطر اصل امامت، منبع تفسیر رسمی دینی داشت که به پرسش‌های دینی جامعه پاسخ می‌دادند و آنچه اهمیت داشت، تمسک به متن حدیث و صدور فتوا بر اساس رای و نظر آنان بود.

پس از غیبت امام زمان (عج)، و پایان حضور فیزیکی امامان معصوم (ع)، سنت نقل از معصوم بی‌گیری شد و نحله‌ای فکری بر محوریت حدیث شکل گرفت که به مرور رشد فزاینده‌ای یافت. در این نحله خبر محور و تا حدودی تفسیرپرهیز اساس آن بر خبر بود و در آن، خبر یا حدیث، بر هرگونه تفسیر و تأویلی رحجان داشت. بنابراین گرایش و یا نحله حدیثی و خبری که بعدها به اخباری‌گری موسوم شد، به عنوان گرایش برجسته و در کنار گرایش اصولی-اجتهادی، میان فقیهان و عالمان شیعی رایج گردید و بعضی از شهرهای شیعه‌نشین مانند قم به طور کامل تحت نفوذ صاحبان این اندیشه قرار داشت. (جعفریان، ۱۳۸۰: ۲۰۸-۲۱۸)

این تفکر به مدت یک قرن، یعنی تا اواخر قرن چهارم هجری، تمام مراکز علمی و فقهی شیعیان را تحت سیطره خود درآورد و به جرأت می‌توان گفت که اکثریت قاطع عالمان شیعی در آن دوران، جزو پیروان این مکتب بودند. فقیهان و محدثانی چون کلینی، ابن بابویه معروف به شیخ صدوق، و ... از آن جمله بودند. این تفکر، در تقابل با تفکری بود که در مکتب بغداد شایع بود و در آن بر عقل‌گرایی تأکید می‌شد و اقدام اخباریونی چون کلینی در تدوین کافی، واکنشی در برابر آن بود (نیومن، ۱۳۸۶: ۲۷۱) که مبانی کلامی رجوع به ائمه را به عنوان منابع معتبر و نهایی علم، پایه‌ریزی کردند (همان: ۲۷۲). از نظر آنان، رجوع مستقیم به آیات بدون پیش‌فرض ذهنی و وجود واسطه‌ای، راه دستیابی به احکام و وظایف می‌باشد (آل‌سیدغفور، ۱۳۸۴: ۳۷) به عبارت دیگر، آنان

«مدار بر خبر نهند و اجتهاد نکنند» (کیخسرو اسفندیار، ۱۳۶۲، ج ۱: ۲۵۱) و بر تقدم نقل بر عقل معتقد بودند و باور داشتند عقل را آن توان و صلاحیت نیست که در وادی شریعت گام نهد، لذا در روش‌شناسی این نحله، فهم احکام دینی، منحصر در مراجعه مستقیم به نصوص دینی بود (آلسیدغفور، ۱۳۸۴: ۳۹). هرچند برخی از آنان با آن که محوریت را به روایات می‌دادند، بررسی سندی را نیز جایز شمرده، برای تشخیص روایات موثق از غیر موثق، ملاک خاصی داشتند.

شیخ مفید اگرچه اصطلاح «اهل الاخبار» را برای این تفکر به کار می‌برد ولی این اصطلاح هنوز رایج نشده بود و برای نخستین بار در اوایل قرن ششم هجری، شهرستانی در کتاب الملل و النحل از لفظ «اخباریه» اسم برده که در تقابل با «کلامیه» قرار دارد و بین آنان اختلاف است. (شهرستانی، ۱۴۱۰ ه. ق. : ۲۰۳) پس از او، قاضی عبدالجلیل قزوینی در کتاب معروف خود «الانقض» دو اصطلاح اخباری و اصولی را در برابر یکدیگر به کار گرفت. (قزوینی، ۱۳۹۱: ۶۲۵) وی که کتاب خود را به دفاع از تشیع امامی نگاشته و اتهاماتی را که قاضی عبدالجبار معتزلی در کتاب «فضائح الروافض» بر شیعه وارد کرده، پاسخ داده است، از اخباریون با عنوان «طایفه حشویه و غالی و اخباری» نام می‌برد (همان: ۳۰۵).

علامه حلّی در قرن هفتم عقاید دو جریان اصولی و اخباری را تشریح کرد. او در مناظره و گفت‌وگوی علمی نیز از توانمندی فوق‌العاده‌ای برخوردار بود و دیدگاه‌های خود را در محضر دیگر علما با منطق استوار و دلایل علمی و متین مطرح می‌کرد.^۱ بر اثر حملات او به اخباریون، این تفکر منکوب شد تا این که در دوره صفوی، بار دیگر این باور سر برآورد و به اندیشه‌ای مطرح تبدیل شد. و این بار به وسیله محمد امین استرآبادی به صورت نحله‌ای فقهی و سازمان یافته احیا شد.

ملاّ محمد امین استرآبادی با بهره‌گیری از آثار پیشینیان، به ویژه با راهنمایی‌های استاد خود، میرزا محمد استرآبادی، به احیای این اندیشه پرداخت و کتابش «الفوائد المدنیّه فی الردّ علی من قال بالاجتهاد والتقلید» را در این زمینه نوشت. سپس کتاب دانشنامه شاهی را به زبان فارسی نگاشت و در آن مدعی شد که همه علما تا اواخر غیبت صغری، بر طریقه اخباری بودند و اجتهاد شیوه نوینی در تشیع است. (الامین، ۱۴۰۳، ق. ۱۹۸۳/ م. ۲۲۲)

تحت تاثیر استرآبادی، عالمان بزرگ و صاحب نامی مانند محمدتقی مجلسی، ملاّ محسن فیض کاشانی، شیخ حرّ عاملی، محمدباقر مجلسی، سید نعمت الله جزایری (جزایری، ۱۳۸۹: ۳۱) و شیخ یوسف بحرانی (طارمی، ۱۳۷۵: ۳۱۴-۳۱۷) از جمله فقیهان برجسته‌ای هستند که گرایش اخباری داشتند. تلاش‌های علمی آنها باعث شد تا مسلک اخباریگری قریب به دو قرن بر حوزه‌های علمی شیعه سایه افکنده، سبب طرد اجتهاد مبتنی بر علم اصول شود و حوزه‌های علمی برجسته‌ای چون کربلا و نجف به حدّی تحت سیطره علمی این جریان قرار گرفته بود که کتب فقهای اصولی متروک و مهجور ماند. (رهایبی شهرضایی، ۱۳۷۷: ۷۵۱-۷۵۲؛ خوانساری، ۱۳۹۰-۱۳۹۲: ۹۵)

این مهجوریت زیاد دوام نیاورد و فیلسوفان و نیز مجتهدان به مقابله فکری با آن پرداختند و شاید صدرالمتألّهین شیرازی معروف به ملاصدرا نخستین کسی بود که پرچم مخالفت با این اندیشه

را برافراشت. وی در جاهای متعددی از نوشته‌هایش، خطر اخباری‌گری و ظاهرپرستی را گوشزد کرد. در مقدمه کتاب «حکمت‌المتعالیه» و همچنین در دیباچه «مفاتیح‌الغیب» و «شرح اصول الکافی»، از کوفه‌فکری و تنگ‌نظری این جماعت می‌نالد و آنان را به حنابله و جماعت اهل حدیث اهل سنت تشبیه می‌کند که «خفّاش صفت»، دیدگان خویش را بر مشاهده انوار و اسرار حکمت و معرفت بسته، تعمق و تأمل در آیات قرآنی و احادیث اهل بیت علیهم السلام را بدعت و ضلالت به شمار می‌آورد. (ملاصدرا، شرح اصول الکافی، ۱۳۶۷: ۳۸۷-۳۸۸) وی با طرح چنین استدلال‌هایی به مقابله با این جریان پرداخت اما کسی که «بساط اخباریه را برچید آقا محمد باقر بهبهانی معروف به وحید و ملقب به آقا بود». (مشکور، ۱۳۶۸: ۴۴)

وی از مجتهدینی بود که به حق او را باید منکوب‌کننده اخباریون نامید. او کتاب «الاجتهاد و الاخبار» را که نوعی دفاعیه از مسلک اجتهاد است، در ۱۱۵۵ ه.ق. در بهبهان تألیف کرد و در آن مبانی اخباریگری را به باد انتقاد گرفت. سپس کتاب «الفوائد الحائریة» را در رد اخباریه نوشت. (آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۳ ق./ ۱۹۸۳ م.: ۳۳۰-۳۳۱)

بهبهانی معتقد بود گذشت زمان و پیدایش مباحث و پرسش‌های جدید نیاز واقعی به اجتهاد و اصول فقه را آشکارتر می‌کند و فقها ناگزیر از کشف مبانی و اصول استنباط احکام می‌باشند. (رهایی شهرضایی، ۱۳۷۷: ۷۵۱-۷۵۳)

شیخ جعفر نجفی کاشف‌الغطاء شاگرد بهبهانی، دیگر مجتهدی بود که به مقابله با اخباریون پرداخت. وی رساله‌ای با عنوان «کشف‌الغطاء عن معائب میرزا محمد عدو العلماء» تألیف کرد و آشکارا از میرزا محمد اخباری از علمای سرشناس اخباری آن دوران به عنوان دشمن علما یاد کرد و این رساله را برای فتحعلی شاه قاجار فرستاد تا از حمایت میرزا محمد دست بردارد (تنکابنی، ۱۳۸۳: ۴۳۷). بر اثر این اقدام او که به خاطر این اثر، به کاشف‌الغطاء معروف شد، میرزا محمد اخباری از دربار قاجار رانده شد و مجبور به بازگشت به عراق شد و در نهایت در ۱۲۳۳ ق. با فتوای علمای اصولی مانند شیخ موسی، سید عبدالله شبر و شیخ اسدالله کاظمینی، کشته شد (سپهر، ۱۳۸۹، ج ۱: ۸۲-۸۳؛ مشکور، ۱۳۶۸: ۴۰)

البته همه مراجع و علمای بزرگ، درباره مکتب اخباری نظر واحدی نداشتند. از جمله شیخ مرتضی انصاری از مراجع بزرگ و اصولی دوره قاجار، از اخباریان با عنوان «اصحابنا الاخباریین»^۲ نام می‌برد و آنان را فرقه‌ای از فرق شیعه می‌داند. (جزایری، ۱۳۸۹: ۳۱)

۱-۲. وجوه افتراق و اختلاف اخباریون با اصولیون

اغلب پژوهشگران، اخباریان را به دو دسته تقسیم‌بندی می‌کنند که به اخباریان افراطی یا تندرو و اخباریان میانه‌رو موسوم‌اند. علی‌رغم این تقسیم‌بندی، اختلاف آنان با اصولیون کاملاً مشخص و محرز است و هر دو دسته بر عدم حجیت عقل و اجماع در استنباط احکام دینی متفق‌اند (مسعودی، ۱۳۸۹: ۱۹) و حتی بزرگانی چون شیخ طوسی آشکارا بر ممنوعیت کاربرد آنها تأکید

کرده‌اند (طوسی، ۱۳۷۶، ج ۲: ۲۷۳-۷۲۶) سید نعمت الله جزایری، عبدالله بن صالح سماهیچی بحرانی، شیخ جعفر کاشف الغطاء، میرزا محمد اخباری و... وجوه افتراق این دو جریان را برشمرده و برخی از آنان، این وجوه را تا ۹۲ مورد ذکر کرده‌اند که اهم آنها عبارت است از: اخباریان، بر خلاف اصولیان، اجماع و عقل را حجت نمی‌شمارند؛ اخباریان تحصیل احکام از طریق «ظن» را منع کرده، برخلاف مجتهدان جز «علم» را حجت نمی‌دانند؛ احادیث نزد اخباریان بر دو نوع صحیح و ضعیف است، اما در آثار مجتهدان، اخبار بر ۴ نوع صحیح، موثق، حسن و ضعیف تقسیم می‌شود؛ اصولیان مردم را به دو گروه مجتهد و مقلد تقسیم می‌کنند، اما اخباریان همگی مردم را مقلد معصوم می‌شمارند و تقلید از غیر معصوم را مجاز نمی‌دانند؛ اصولیان ظاهر قرآن را حجت می‌دانند و آن را بر ظاهر خبر ترجیح می‌دهند، اما اخباریان تمسک به ظاهر کتاب را تنها در صورت وجود تفسیری از معصوم مجاز می‌شمارند؛ اخباریان کلیه اخبار کتب اربعه را صحیح و قطعی الصدور می‌دانند، اما اصولیان همه این احادیث را صحیح نمی‌دانند؛ اخباریان حسن و قبح عقلی را می‌پذیرند، اما برخلاف اصولیان، احکام مستقل عقلی را حجت شرعی نمی‌شمارند؛ اصولیان هم در شبهه حکمیة تحریمیه و هم در شبهه حکمیة وجوبیه، اصالت البرائة را جاری می‌دانند، اما اخباریان تنها در مورد دوم با آنان موافق اند؛ اخباریان بر خلاف اصولیان در هنگام تعارض اخبار، ترجیح را با تمسک به برائت اصلیه جایز نمی‌شمارند؛ اخباریان گونه‌هایی از قیاس چون قیاس اولویت، قیاس منصوص‌العله و نیز تنقیح مناط را که اصولیان آنها را معتبر می‌شمارند، در شمار قیاس‌های نهی شده در احادیث شمرده‌اند و آن را باطل می‌انگارند.^۳ (بهشتی، ۱۳۹۰: ۳۲۵-۴۰۰؛ مسعودی، ۱۳۸۹: ۱۷۱-۲۱۸؛ قیصری، ۱۳۷۵، ج ۷: ۱۶۰-۱۶۲)

۲. نگاهی به اوضاع اجتماعی - فرهنگی ارومیه در قرن نوزدهم

ارومیه از جمله شهرهای ایران است که دارای اقلیت‌های دینی فراوان است.^۴ این اقلیت‌ها از قرن نوزدهم باعث ایجاد وسوسه در کشورهای مختلف جهت استفاده از آنان در جهت منافع خود شده بود. به خصوص حضور مسیحیان در آن شهر، باعث شده بود تا دولت‌های مختلف با اعزام هیات‌های تبلیغی و میسیونرهای مذهبی، در صدد نفوذ در بین آنان برآیند. در سال ۱۸۳۲م. دو کشیش آمریکایی به نام‌های اسمیت و دوایت پس از سوریه، عثمانی و ارمنستان، به ایران آمدند و در ارومیه با مسیحیان آشوری دیدار و مذاکره کردند (پلسون، ۱۳۶۸، ص ۲۸) و گزارشی تحت عنوان «پژوهشی در ارمنستان و ایران» تهیه کردند. آن گزارش «انجمن آمریکایی کلیسای پرسبیتری» را مضمم به اعزام مبلغان مذهبی به ایران کرد و متعاقب آن، در ۱۸۳۳م./ ۱۲۴۸ق. متأثر از این گزارش‌ها، هیئتی به ریاست جاستین پرکینز به ارومیه اعزام شد. (همان: ۱۷۱) و بر اثر تلاش‌های او، هیأت مرکزی میسیونری آمریکایی در ایران، در آن شهر مستقر شد و به فعالیت‌های تبلیغی در بین مسیحیان و سپس مسلمانان پرداخت. در استقرار این هیئت و هیئت آمریکایی بعدی در ایران، انگلستان نقش زیادی داشت. (ناطق، ۱۳۸۰: ۱۷۹) پرکینز به کمک انگلیسی‌ها موفق به جلب

حمایت ملک قاسم میرزا، حاکم وقت ارومیه شد چرا که به تأسی از برادرش عباس میرزا معتقد بود «باید همه چیز را حتی المقدور به روش اروپایی ترتیب داد» (جونز، ۱۳۸۶: ۱۵۹). لذا وی را مورد حمایت خود قرار داد و تحت تأثیر او، در ۱۲۵۵ق. فرمانی از محمد شاه، مبنی بر آزادی پروتستان‌ها در تبلیغات مذهبی و نیز تأسیس مدرسه‌ای در ارومیه برای نشر علوم و تربیت جوانان مسیحی و مسلمانان دریافت کرد و این فرمان «مقدمه‌ای شد برای تبلیغ مبشرین آمریکایی» (عضدالدوله، ۱۳۵۵، ۲۰۸؛ شمیم، ۱۳۸۷: ۲۵۳). طوری که در ۱۳۲۳ق. همه مذاهب مسیحی به غیر از مورمون‌ها در ارومیه نمایندگی داشتند که آنان نیز در سال‌های بعد، نمایندگی در آن شهر دایر کردند (راتیسلاو، ۱۳۸۶: ۲۳۱) و طبیعی بود که حضور این همه هیأت تبلیغی مسیحی در آن شهر چه حساسیتی ایجاد می‌کرد.

پرکینز اولین مدرسه دینی مسیحی را در آن شهر تأسیس کرد که به نوعی اولین آموزشگاه در ایران محسوب می‌شد. این آموزشگاه بیشتر بر آموزش مذهبی تأکید داشت (الدر، ۱۳۶۴: ۱۵) و مبانی پروتستان و نیز زبان انگلیسی در آن مدارس آموزش داده می‌شد (دهقان، ۱۳۴۸: ۱۴۳؛ برومند، ۱۳۸۱: ۸۶-۹۲). این هیأت، ماهنامه‌ای تحت عنوان «زاری دی باهرا» یا تابش روشنایی منتشر می‌کرد (دهقان، ۱۳۴۸: ۱۸۱) که به مثابه ارگان آن هیأت بود و در آن مطالبی علیه مبانی دین اسلام و با نگاه تفسیرگرایانه چاپ می‌شد. از جمله به انتشار مطالبی علیه اسلام در آثار چاپی خود و نیز نشریه پرتوهای نور پرداختند. اقدام نشریه نام برده باعث شد تا ناصرالدین شاه، دستور توقیف آن را صادر کند (موجانی، ۱۳۷۴: ۳۵-۳۶) این نشریه اگرچه بعداً و در اثر وساطت سفیر آمریکا در ایران دوباره انتشار یافت حساسیت قشر مذهبی را برانگیخت و در ترویج اندیشه‌های غربی در آن شهر نقش داشت. آنان آیین محمدی را یک مذهب ضدطبیعی و ضداجتماعی می‌دانستند (رینگر، ۱۳۸۱، ص ۱۳) و اعتقاد داشتند مسلمانان ایرانی کافر و بی‌دین‌اند لذا می‌کوشیدند مردمی را که در بین آنها مشغول تبلیغ بودند به نسخه محلی پروتستان‌های مدرن آمریکایی بدل کنند. و این امر حساسیت اهالی را برانگیخته بود. در نامه‌ای که علی‌عسگر نامی از ارومیه در این باره به وزارت امور خارجه نوشته است، می‌گوید که آنان، اگرچه در ظاهر خودشان را نصارا به قلم می‌دهند اما [مسیحیان ایرانی را] باطنا به دین ینگی دنیایی‌ها (برده‌اند) [گزیده اسناد روابط ایران و آمریکا، ۱۳۷۵: ۴۳]

یکی از تاثیراتی که این مبلغین مذهبی داشتند، ترویج برخی اندیشه‌های چون تجربه‌گرایی بود که اساس آن، بر تجربه است تا عقل و بزرگانی همچون آیه الله العظمی بروجردی (شریفی، ۱۳۸۳: ۳۰)، شهید آیت الله سید محمدباقر صدر (صدر، ۱۳۸۷: ۵۰) و شهید مطهری، نقش مبلغان مزبور را در ترویج تجربه‌گرایی مهم می‌دانند.

این چنین بود که در عصر حیات آیت الله سید حسین عرب باغی، شاهد اوج فعالیت میسیونرهای مذهبی در ارومیه هستیم که با افتتاح مدارس تبشیری روز به روز بر دامنه فعالیت‌های خود می‌افزودند و طبیعتاً سبب نگرانی طبقه روحانیت می‌گردیدند چرا که علما همواره از تزلزل

باورهای دینی مردم بیم داشتند و حفظ و حراست از اصول و معتقدات دینی را وظیفه نخست خود می دانستند.

۳. آرا و دیدگاه های آیت الله عرب باغی

۳-۱. زندگی نامه

آیت الله سید حسین عرب باغی فرزند آقا سید نصراله، فرزند مرحوم سید صادق موسوی از سادات گلیایگان است نسب نامه آن بزرگوار به عالم آل محمد ابوالحسن موسی بن جعفر علیه السلام می رسد. وی در ۱۲۵۴ ش. / ۱۲۹۴ ق. در روستای سعید لوی شهرستان ارومیه به دنیا آمد. پس از طی دوران کودکی و در ایام جوانی از آنجا به ارومیه مهاجرت نمود و تحت تکفل عمویش حاج سید حسن که از بُنکداران معتبر شهر ارومیه بود، قرار گرفت و در مسجد جامع ارومیه مشغول تحصیل علوم دینی و مقدمات عربی شد. بعد از مدتی از ارومیه به خوی مهاجرت نمود و پس از مدتی عازم مشهد مقدس گردید و به مدت هشت سال، در حوزه علمیه آن شهر نزد علمایی چون آیت اله ترشیزی و سایر علما تلمذ کرد. سپس به عراق رفت و در حوزه علمیه نجف در محضر علمای بزرگوار آیات محمد کاظم طباطبایی و آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و سید محسن کوه کمری و شریعت اصفهانی بهره برد. آن گاه راهی ارومیه شد و تا آخر عمر در زادگاه خود زیست و به ارشاد مردم پرداخت تا اینکه در سال ۱۳۲۹ ش. در سن ۷۵ سالگی درگذشت و در آرامگاهی که به نام خود وی معروف است، به خاک سپرده شد. آیت الله عرب باغی از بنیانگذاران هلال احمر و بیمارستان در ارومیه است (رامیان و دیگران، بی تا: ۲۱۶-۲۱۷). شرکت در امور خیریه، تعمیر مساجد، تقوا و پرهیزکاری فوق العاده از صفات برجسته ایشان بود، در ایام حیات خویش، میلیون ها ریال وجوه شرعیه را صرف امور عمومی عام المنفعه کرد. بین مردم از احترام خاصی برخوردار بود به طوری که آرامگاه وی هنوز هم زیارتگاه عده ای از مردم ارومیه است. (همان: ۲۱۸)

او بین مردم به ساده زیستی و زهد معروف و بین طرفدارانش ملقب به آیت الله بود. میزان زهد او به اندازه ای بود که خانه ای را که یکی از متدینان به او داده بود، به فقرا بخشید و وقتی همان فرد دوباره منزلی برای او خریداری کرد، مدتی بعد همان منزل را نیز به فقرا بخشید و وقتی این کار سه بار تکرار شد، بار چهارم آن متدین از به نام کردن خانه به اسم آیت الله خودداری کرد، تا او نتواند خانه را بفروشد و از این حکایتها مکرر در ارومیه گفته می شد. وی نماد زهد بود به طوری که مردم پس از رحلت آن عالم، مقبره او را به صورت عبادتگاه درآوردند و هم اکنون نیز یکی از اماکن مقدس ارومیه محسوب می شود. اوج ساده زیستی او در وصیت نامه او متبلور شده است: و بعد از این عرض می نماید که این حقیر در سابق وصیت نامه نوشته بود و حالا نیز اقرار می کند که خانه مسکونی حقیر با سه پارچه کلیم و با دوره حدایق مال مختص آقای حاج مختار آقا معینی است و خانه را براسم خود بر

ثبت داده بعد از اینها آنچه اثاث البیت و کتاب دارم بعد از وسایل دفن و تجهیز و ادا دیون از مهریه زوجه و غیره مال فقرا سادات است و ملک حقیر نیست و باید به فقرا سادات رد شود. (وصیت نامه پیشوای بزرگ اسلام مرحوم آیت الله عرب باغی، تاریخ دسترسی ۹۲/۳/۱۵ <http://www.hajnazem.blogfa.com/post-69.aspx>)

با این حال، او ارتباط تنگاتنگ با رژیم پهلوی داشت و در برپایی نمازهای جمعه فعال بود. او در کتاب‌هایش از جمله کتابی به نام «نجات ایران» کارهای دولت را با آیات قرآنی و حدیث تأیید نموده است. رفتار او باعث شده بود که عده‌ای از متدینین او را به ملاحظه‌کاری متهم کنند؛ طرفدارانش ادعا می‌کنند که او کسی بود که تهاجمات جیلوها و اسماعیل آقاسیمتقو را دیده بود و از ناامنی و تنش بیم داشت و آن را به ضرر دولت و ملت می‌دید و به این خاطر از رضا خان طرفداری می‌کرد. در ۱۳۰۱ ش. در تبریز استانداری وقت درصدد تخریب قبرستان گجیل تبریز برای احداث باغ گلستان بود که با مخالف روحانیون روبه‌رو شد. ولی عرب باغی فتوایی در شرعی بودن این کار صادر کرد که از طرف روحانیون و مجتهدین تبریز پذیرفته نشد و امیر طهماسبی را تحت فشار قرار دادند تا عرب باغی را از ارومیه تبعید کند. استاندار وقت که قدرت چندانی نداشت، عرب باغی را تبعید کرد که البته پس از مدتی مجبوره بازگرداندن او شد و در بازگشت استقبال بی‌نظیری از او صورت گرفت (دهقان، ۱۳۴۸: ۶۳۰-۶۳۱). به هر ترتیب او از حامیان اجرای اصلاحات رژیم پهلوی در ارومیه بود و جایگاهی والا در تحولات سیاسی و فرهنگی ارومیه داشت. وی از علمای کثیر التالیف قرن چهاردهم است که بیش از هشتاد اثر از خود به یادگار گذاشته و خانابا مشار هفتاد و هشت عنوان کتب چاپی وی را ضبط کرده است که پاره‌ای از مشهورترین آنها عبارت‌اند از: قواعد الاسلام در بیان دین اسلام، شرایع الاسلام فی مهمات الاحکام الایمانیه در حدیث و اعتقادات، علم الیقین در فضائل امیرالمؤمنین (ع) و تاریخ اسلام، مناهج العارفین درباره علم کلام (مشار، ۱۳۴۰-۱۳۴۴، ج ۲: ۹۰۴-۹۰۹)

به رغم کثرت آثار و فعالیت‌های قلمی آیت الله عرب باغی، جای شگفتی است که درباره وی مقاله یا نوشته‌ای تحقیقی در دست نیست و در باب گرایش‌های اخباری وی که می‌توان او را به عنوان واپسین عالم مبرز و گمنام اخباری قلمداد کرد، کمتر سخن تحقیقی منعقد شده است. اشتهاور او به اخباریگری در دوره حیات او، به‌خصوص در ارومیه محرز بود و کسانی که ارتباط نزدیکی با او داشتند، از لعن و طعن مرجعیت به وسیله او می‌گویند که این یکی از ممیزه‌های اخباریون بود (حسنی، ۱۳۸۴: ۱۰۱-۱۰۲). او به گفته آیت الله قریشی، به طعن علمای برجسته اصولی نیز می‌پرداخت.^۵ و در جایی از این‌که در حوزه علمیه قم، حتی یک دوره کامل کتب اربعه پیدا نمی‌شود، انتقاد کرده بود و منظورش این بود که در حوزه علمیه قم، اهمیتی به احادیث اهل بیت داده نمی‌شود و علمای اهل اجتهاد و علم اصول، اهل بیت را کنار گذاشته به قواعد اصول استنباط پرداخته‌اند (خاطرات آیت الله سید علی اکبر قرشی، ۱۳۸۸: ۸۵) بدین ترتیب او به‌عنوان عالم اخباری

شناخته می‌شد. پس از وی نیز میرآقا زاهدی، عموزاده او که امام جمعه نیز بود در خطبه دوم نماز، به تخریب و تحقیر علمای اصولی می‌پرداخت (همان، ۸۵) اما مهم‌ترین دلیل بر گرایش اخباری او، آثار او می‌باشد به خصوص کتاب «منهاج العارفین فی تعیین الراسخین» که همراه دو کتاب دیگر او در یک مجلد به تحقیق سید حسن موسوی منتشر شده است.

در تبیین دیدگاه‌ها و افکار آیت الله عرب باغی به آثار مختلف وی از جمله «منهاج العارفین فی تعیین الراسخین»، «قواعد الاسلام» که به مثابه رساله عملیه اوست و نیز «علم الیقین در مناقب امیرالمؤمنین» و «علم الیقین در فضائل امیرالمؤمنین» استناد شده است. وی در دو کتاب اخیر آشکارا دیدگاه اخباری خود را بیان می‌کند. آن‌جا که در مقدمه علم الیقین در مناقب امیرالمؤمنین می‌نویسد: «اگر از اول اسلام مردمان دین داران و مسلمانان با اسلام و با ایمان در احکام دین و اسلام خودشان و در حلال و حرام شرع انور در هر مسئله و حکمی برآن حضرت علیه السلام رجوع می‌نمودند، البته وابدأ در بین مسلمین اختلاف و تنازع نشده بود و همه مسلمانان یک مذهب حضرت رسول صلی الله علیه واله وسلم داشتند. و اگر بعد از این زمان به فرمان‌های پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم در حق امیر المؤمنین علیه السلام عمل نمایند و احکام دین را از آن بزرگوار یادگیرند و اخذ بکنند، هرآینه اختلاف مذهب از میان مسلمانان برداشته می‌شود» (موسوی عرب باغی، ۱۳۹۰، مقدمه)

واضح‌ترین اظهارنظرهای اخباری او در کتاب «منهاج العارفین فی تعیین الراسخین» بیان شده است. آنجا که ضمن دعوت همه مسلمانان به اتحاد، یگانه عمل وحدت بخش شیعه و سنی و رفع شقاق را تمسک آنان به امر خداوند و قول رسول خدا می‌داند وی در این باب می‌گوید:

«مراد بنده در این کتاب، اتحاد و اتفاق اهل اسلام و رفع نفاق و دفع شقاق از میان ایشان است و جمع نمودن اسلامیان بر مرکز واحد و دین متحد است و نشان دادن امر خداوند و فرمایش رسول بوده بر ایشان از برادران سنی و شیعه و از حنفی و شافعی و جعفری و زیدی و غیره ... بر یاد برادران اسلامیان، آیات و روایات صحیحه را می‌آورد و احادیث را از کتاب‌های علمای اعلام و بر پیشوایان اسلام و فقهای کرام اهل سنت نقل و ذکر می‌نمایم...» (موسوی عرب باغی، ۱۳۹۰: ۴)

با اتکا به چنین رویکردی در تفسیر آیه ۷ سوره آل عمران که در آن از احکام محکمت و متشابهات قرآن سخن رفته است، می‌نویسد:

«آیات متشابهات مانده‌اند بر یکدیگر و از جهت واضح نبودن معنای آنها، احتمالات در آنها می‌شود و اجمال دارد در معنای آنها. پس آن کسانی که به سبب تقلید و تعصب نفسانی، در قلب ایشان کجی و تباهی و یا شک در فرمایش‌های خداوندی بوده، پس تابع و پیروی نمایند آن آیات را که لفظ و معنای آنها مشکل و مجمل است از آن کتاب و با آن آیات متشابه، بر مراد و مطلوب خود دلیل می‌آورند از جهت طلب‌کردن فتنه و انداختن شبهه در میان مردمان و از برای تاویل باطل خود که بر

وفق مدعای آنها باشد و حال آن که نمی‌دانند تاویل متشابهات آیات قرآن را و حمل آنها بر معنای مراد خداوند. (موسوی عرب باغی، ۱۳۹۰: ۴۸۰) [می‌دانند]. این سخن عرب باغی درباره خواص آیات قرآن یاد آور سخن صاحب حدائق است آنجا که اشاره می‌کند:

«همانا قرآن مشتمل بر ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه، عام و خاص، مطلق و مقید، مجمل و مفصل، تقدیم و تأخیر و... می‌باشد و استفاده احکام جز برای عالم به همه این علوم ممکن نیست آن نیز برای کسی غیر از ائمه (علیهم السلام) امکان ندارد، خصوصاً آیات متعلق به احکام آن نیز از اقسام مذکور خارج نیست». (بحرانی، یوسف بن احمد، ۱۳۶۳-۱۳۶۷ ش: ۲۶)

فیض کاشانی نیز در سفینه النجاه که در رد اجتهاد نوشته است به این معنی البته به لحنی دیگر اشاره می‌کند، آنجا که می‌گوید:

«چون اطاعت خاص خدا و پیامبر و امامان است و نه کس دیگر، هنجارهای شریعت را می‌توان مستقیماً از اخبار امامان و معصوم به دست آورد و من مقلد قرآن و حدیثم و نسبت به غیر از قرآن و حدیث بیگانه‌ام» (فیض کاشانی، ۱۳۹۷ ق: ۳۶-۳۹)

این مورد نشان می‌دهد که تا چه اندازه آیت الله عرب باغی از اسلاف اخباری خود متأثر بود. وی در ادامه بحث و درباره اهمیت شناخت راسخان در علم می‌گوید:

«در آیات قرآن، معنای راسخین در علم مشخص نشده است. - آیات کونوا مع الصادقین و نیز اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم - مردم نیاز به شناخت آن راسخین دارند و اگر آن راسخین را نشناسند همه ادعا می‌کنند که ما راسخ در علم هستیم و مراد از راسخان، ماییم. و اگر شرایط و مبطلات عبادات و معاملات و سایر احکام را خود راسخان در علم تعیین نکنند و بیان نفرمایند، هر کسی از برای عبادات و معاملات، شروط و آداب و نواقص و مبطلات اختراع می‌کند و اختراعات یکی مخالف دیگری می‌شود. مثلاً یکی زکوه را در شش چیز می‌داند یکی در نه چیز و یکی سجده بر خاک را جایز می‌داند یکی حرام و.... که در نهایت منجر به اختراع ادیان و فرقه‌های دینی می‌شود. وی در ادامه و در وجود شناخت راسخین در علم می‌گوید: [شناخت راسخین باعث می‌شود] کورکورانه بر هرکس، ملا و عالم نگویند و تقلید نکنند...» (موسوی عرب باغی، ۱۳۹۰: ۴۸۲)

اینجاست که آشکارا مخالفت خود را با تقلید که از شئون مجتهد و مرجع تقلید است، اعلام می‌کند.

در ادامه، وی منبع شناخت راسخان در علم را، با اشاره به آیه ۶۴ سوره نحل: و ما انزلنا علیک الكتاب الا لتبیین لهم الذی اختلفوا فیه، اولین منهج - راه راست و آشکار - و اولین راسخ در علم را

پیامبر اسلام می‌داند. (همان: ۴۸۳) این دیدگاه دقیقاً با نظر محمدا مین استرآبادی در کتاب معروف خود «الفوائد المدنیة» که اساسنامه اخباریگری محسوب می‌شود یکسان است. استرآبادی هم این مضمون را چنین بیان می‌کند که:

«همانا استنباط احکام نظری در کتاب خدا و سنت نبویه کار ائمه (علیهم السلام) است نه کار مردم، به سبب اینکه حضرت رسول (ص) به امر خدا امیرالمؤمنین (ع) و اولاد طاهرینش را مخصوص تعلیم ناسخ و منسوخ و مراد از آن و همچنین تعلیم اینکه کدام آیه از قرآن بر ظاهر خود باقی می‌ماند و کدام آیه بر ظاهر خود باقی نمی‌ماند و نیز به تعلیم اینکه بسیاری از آنها (مرادات یا آیات) نزد آنها پنهان است، قرار داده است» (استرآبادی، ۱۳۶۳: ۱۷۳)

آیت الله عرب باغی با اشاره به آیه ۴۳ سوره رعد: و قل کفی بالله شهیدا بینی و بینکم و من عنده علم الکتاب، در تفسیر آن و در ترجمه: کسی که یک نفر شاهد است بر نبوت او که تالی مرتبه است در علم و باقی فضایل از خود رسول است آن کس می‌گوید که همان فرد امام علی است و دومین منهج، امام علی است. وی در این زمینه احادیث فراوانی را نقل کرده است که امام علی دومین راسخ در علم است. وی همچنین در تفسیر واژه اولی الامر، امام علی را مصداق این آیه می‌داند (موسوی عرب باغی، ۱۳۹۰: ۴۹۷) در ادامه با اشاره به این که امام علی مصداق صادق بودن در کونوا مع الصادقین (آیه ۱۱۹، سوره توبه) است درباره فتوا دادن بر این باور است:

امام علی مثل رسول اکرم صادق و راستگوی حقیقی بوده و مثل آن حضرت راسخ در علم بود و هکذا در این زمان واجب است در تفسیر و تأویل قرآن با امیرالمؤمنین و احکام قرآن را از او اخذ کنند و بدون فرمایش‌های او چیزی نگویند و فتوی ندهند که ضدیت با خداوند و به رسول او بوده و کار مسلمان نیست و فعل و رفتار کافران است. (همان: ۵۰۳)

و در جایی دیگر در نفی نظر مفسران و اهل تأویل چنین اظهار می‌کند:

در احکام خداوند و در تفسیر و تأویل قرآن و در حلال و حرام اسلام به او - معصوم - رجوع نمایند و از او بپرسند و از او یاد بگیرند نه به قول غیر از او از علما و فقها و ادبا و حکما و اهل تفسیر و صاحبان تأویل. (همان: ۵۱۴)

وی در مذمت تقلید از علما و فقها به جای تقلید از امام علی می‌گوید:

«اخلاف همیشه بر اسلاف تابع خواهند شد در تقلید بعضی از علما در مقابل امیرالمؤمنین. واغفلتاه از این اشتباه بزرگ وامصیبتاه از این تقلید کورکورانه و انا وجدنا آباءنا علی امت و انا علی آثارهم مقلدون (سوره زخرف، آیه ۲۳) ما پدرانمان را در یک طریقه و در تقلید از چند نفر یافتیم و ما بر اثر آنها اقتدا کردیم و آخر ما این طور شد که به دوزخ رفتیم.» (همان: ۵۴۱)

که آشکارا بر تقلید از مجتهدین می‌تازد و آن را رد می‌کند و در مقابل بر تمسک مستقیم بر ائمه تأکید می‌کند. این دیدگاه، اساس نگرش اخباریگری است. این دیدگاه بر این باور شیعی که

امامان، مفسران به دور از خطا و لازم التصدیق قرآن و حدیث پیامبراند، مبتنی است و بر اساس آن، جایز بودن انجام یک فعل مفروض، منوط به وجود حدیثی از امام است که مؤید جواز انجام کار باشد. در صورت نبود حدیثی، فعل مفروض مشکوک خواهد بود و انجام ندادن آن شایسته‌تر است. (الگار، ۱۳۸۸، ج ۱: ۱۲۸) وی در ادامه در باره ظن و قیاس و فتوی دادن این گونه نظر می‌دهد:

«ای مسلمانان!، چرا در تفسیر و تأویل، قرآن را و حلال و حرام را از امیرالمؤمنین یاد نمی‌گیرید و از ابوشعیان و ابن فلان، دین خود را اخذ می‌کنید و با وجود فرمایش‌های او در احکام و در حلال و حرام، از اصول دین و فروع آن در خطبه‌های نهج البلاغه و در غیر آن، چطور شده که به دیگران رجوع می‌نمایید و بر ظن و رای و قیاس اشخاص دیگر گوش می‌دهید. آیا رسول الله در وصایای خودش به شما این طور وصیت کرده بود؟ و شما را ارجاع فرموده بود بر عمل کردن بر رأی و ظن و قیاس بعضی از مردمان؟». (موسوی عرب باغی، ۱۳۹۰: ۵۴۱-۵۴۲)

وی همچنین در مذمت و رد فتوی، ضمن این که حملاتی به مجتهدین می‌کند، می‌گوید: «فتوای فلان کس در احکام دین مبین و قول فلان در تفسیر قرآن و در تأویل آن بعد از زمان صحابه و در این زمان خارج از قانون اسلام است و غیر از فرموده رسول اکرم بوده و به دین خداوند ربطی ندارد و بلکه فرمایش آن مفتی و آن حکم‌کننده است و مراد خداوند از آیات قرآن، همان تأویل و تفسیر نماینده دین، آن فتوی دهنده و شریعت آن حکم‌کننده است و مراد خداوند از آیات قرآن، همان تأویل و تفسیر نیست...». (موسوی عرب باغی، ۱۳۹۰: ۶۵۱)

وی در تفسیر آیه تطهیر، ائمه اطهار را راسخ بر علم دانسته، آنان را مهم‌ترین منبع تشخیص احکام می‌داند و در لزوم و ضرورت مراجعه به ائمه و اهل بیت در احکام دین و عدم مراجعه به فقها می‌گوید:

«پس مسلمان دین دار و مومن تقوی شعار باید در احکام دین و در مسائل مسلمین به ایشان رجوع نمایند، نه بر هر عالم و نه بر هر فقیه، زیرا که علم و فقه علما و فقها این زمان، ظن و تخمین و قیاس است و دلیل صحیح شرعی در حجت بودن آنها در این و احکام مسلمین پیدا نشده و باید احکام خداوند و مسائل حلال و حرام از اهل عصمت و طهارت در آیه تطهیر سوال شود» (همان: ۶۸۰)

وی در ادامه در نقد مجتهدان، پا را فراتر می‌گذارد و خلفا را بر مجتهدین ارجح می‌داند و می‌-

نویسد:

البته خلیفه مذهب شدن بهتر از است از فلانی مذهب بودن زیرا که خلیفه از فلانی افضل است و هر یک از خلفا در اعتقاد اهل اسلام از فلان عالم و فلان فقیه و از فلان مجتهد مقدم است. زیرا که خلیفه رئیس مسلمین است و او افضل از فلان عالم و فلان فقیه است (همان: ۶۸۰)

و در ادامه مسلمانان را از غفلت و جهالت در تقلید کورکورانه با این عبارات بر حذر می دارد (همان: ۷۰۳)

«ای مسلمانان اگر علما و فقها و قاضیان و حاکم شرع شما به فرمایش های امامان از اهل بیت و عترت رسول رجوع نمی کنند، پس شما چرا به بر سخنان عالمان و حاکمان و قاضیان و بر فتوای آنها گوش می دهید و آنها را برای خودتان عالم و فتوا دهنده گمان می کنید ... مسلمان واقعی و مومن حقیقی باید بر آیات قرآن و بر احادیث رسول اعتقاد کند و عمل نماید و کورکورانه بر این و بر آن رجوع نکند و بر فتوای هر کسی گوش ندهد» (همان: ۷۷۹)

وی مدعی است که در اثبات احکام اسلام، دلیل بر دو قسم است: دلیل عقلی و دلیل نقلی. ولی در اثبات احکام، دلیل عقلی استقلال ندارد و بر اعانت دلیل های نقلی محتاج است و دلیل های نقلی برای اثبات احکام در دین اسلام مستقل و به نفسه است. (همان: ۹۰۰) وی به اتکا چنین پیش فرضی بینش و روش خود را در باب احکام دین چنین توصیف می کند که «رسول خدا احکام دین را بر آیات و بر احادیث منحصر کرده و آنها [قیاس و اجماع و اجتهاد] را معتبر نکرده و ما نیز آنها را معتبر ندانیم» (همانجا)

نگاهی به دیگر کتاب مشهور او، قواعد الاسلام، که در واقع رساله عملیه اوست، دلالت بر همین مشی وی دارد. وی در هیچ فراز از کتاب خود، حکمی بدون استناد به ائمه بیان نکرده است و کتاب او را در واقع می توان مستند کردن احکام با کلام ائمه نامید تا رساله ای عملیه از یک مجتهد. (نگ موسوی عرب باغی، قواعد الاسلام) علاوه بر آن کتاب، وی در وصیت نامه اش نیز در مشی اخباریگری خود اشاره و تأکید دارد. آن جا که می نویسد: اشهد ان لا اله الا ال... وحده لا شریک له و اشهد ان محمد بن عبدالله رسول الله صلی الله علیه و آله و اشهد ان امیر المومنین مع احد عشر اولاده حجج اله و اوصیا خاتم المرسلین و اشهد ان ما جاء به سید الانبیا من الاصول و الفروع حق و ثابت بالقطع و الیقین... (وصیت نامه پیشوای بزرگ اسلام مرحوم آیت الله عرب باغی، تاریخ دسترسی <http://www.hajnazem.blogfa.com/post-69.aspx> ۹۲/۳/۱۵)

نتیجه

بر پایه هدف و پرسش های پژوهش این نتایج حاصل آمد که هرچند تفکر اخباری در آن مقطع در حوزه های علمیه ایران و عراق متروک شده بود، موقعیت شهر ارومیه که شهری چند فرهنگی با اقلیت قابل توجه مسیحی بود، باعث گردید این شهر مقصد مسیونرها و هیأت های تبشیری اروپایی و آمریکایی قرار گیرد، این هیأت های مذهبی با کسب حمایت دولت های متبوع خود و جلب رضایت دربار ایران، فعالیت های گسترده ای را در میان مسیحیان و مسلمانان سامان دادند و با انتشار کتاب و روزنامه و افتتاح مدارس مختلف به ترویج اندیشه ها و نحله های غربی، بالاخص مکاتب پوزیتیویستی قرن نوزدهم که برای دین ماهیتی بشری و تجربی قائل بود، می

پرداختند، علمای شیعی که همواره دفاع از باورهای دینی جامعه و مقابله با اندیشه‌های الحادی را وظیفه خود می‌دانستند در برابر چنین فعالیت‌هایی واکنش نشان دادند. پاره‌ای آثار آن روز علما را می‌توان واکنشی به چنین فضای فکری ارزیابی کرد. آیت‌الله عرب باغی هر چند در برخورد با فضای فکری ارومیه رساله‌ای مستقل در رد افکار طبیعت‌باوران در برابر دین‌باوران به تحریر در نیاورد یا جلسات مناظره با مبلغان مسیحی ترتیب نداد که آن هم بیشتر به خاطر روحیه زهدآمیزش بود اما واکنش وی برخلاف تفکر غالب اصولی که در حوزه‌های علمیه حاکم بود، تحت لوای تفکر اخباری صورت گرفت. در این که چرا عرب باغی این نحله را برگزید، گفتنی است فعالیت‌های مسیونرهای مسیحی به اعتقاد علمای آن روزگار و از جمله عرب باغی باور دینی مسلمانان را هدف گرفته بود. لذا از منظر آیت‌الله عرب باغی طرح مباحث کلامی و اصولی سنگین حتی محاجه با اربابان تفکر در این برهه نمی‌توانست کارساز باشد بلکه می‌بایستی عموم مردم را به سرچشمه‌های دین که همان کلام خدا و حدیث معصوم است، ارجاع داد به همین خاطر عرب باغی در کنار دعوت به قرآن و روایت، بر علما می‌تازد که به تفسیر و قیاس و اجتهاد دست یازیده‌اند و عامه مردم را از حقایق کلام خداوند دور کرده‌اند. در کنار این موضوع نباید زمینه فکری عرب باغی را در گرایش وی به نحله اخباریگری را از یاد برد، چرا که جریان اخباریگری هرچند دیگر جریان غالب در حوزه‌های علمیه نبود، اما زمینه‌های آن در نزد برخی علمای نجف و مشهد وجود داشت مراکزی که عرب باغی در آن کسب علم کرده بود و طبیعتاً از آن تأثیر پذیرفته بود. بر این اساس او نیز به سان همه علمای اخباری، مدعی است که نمی‌توان از ظاهر قرآن، احکام دینی را استنباط کرد چرا که «برخی از آیات قرآن متشابهات و مانده‌اند بر یکدیگر و از جهت واضح نبودن معنای آنها و احتمالات در آنها می‌شود و اجمال دارد در معنای آنها بر پابندی به احادیث و قول معصوم» لذا بسان همه اخباریون معتقد است که استنباط احکام شرعی از قرآن، باید بر قول معصوم مستند شود. ولی باید توجه داشت که او در برخی موارد به استدلال هم معتقد است می‌توان وی را بسان علامه مجلسی و نعمت‌الله جزایری، نه اخباری افراطی که اخباری معتدل نامید. در مورد رابطه اش با رضا شاه که به باور بعضی‌ها شایبه همراهی وی را با دستگاه رضا شاه پیش می‌آید، باید به دونگته توجه داشت: اول اینکه ارومیه و آذربایجان در جنگ جهانی اول از جبهه‌های مختلف روس و عثمانی لطمات شدیدی دید، ضمن اینکه با فتنه اسماعیل آقا سمیتقو و هجوم جیلوها شهر عملاً ویران و ناامن شده بود و قدرت‌گیری رضا شاه در آن برهه که توانسته بود با اتکا به ارتش، امنیتی نسبی برقرار سازد با استقبال مردم و علما مواجه شد که عرب باغی هم متأثر از این فضا بود. دیگر اینکه رضا خان در ابتدای کار خویش سودای دینداری داشت و هنوز چهره واقعی خود را نشان نداده بود، لذا در جلب قلوب علما می‌کوشید و حمایت عرب باغی از وی را می‌توان در این راستا تحلیل کرد. با تمام این اوصاف شخصیت آیت‌الله عرب باغی و آرا و دیدگاه‌های وی در تاریخ معاصر ایران به دلیل غلبه گفتمان اصولی بر حوزه‌های علمیه ایران و عراق و استقرار او در شهر ارومیه که فاقد حوزه علمیه قوی بود، در کنار زندگی زاهدانه و تا حدی گمنام او باعث گردیده تا

آرا و نظرات وی از دیدگان اهل تحقیق دور بماند و به واسطه آن، دیدگاه‌های او به عنوان یکی از علمای اخباری متاخر مورد بررسی قرار نگیرد.

پی نوشتها

- ۱- مناظره او با علمای مذاهب چهارگانه اهل سنت و جماعت نزد سلطان محمد خدابنده ایلخانی، و غلبه وی بر آنان منجر به گرایش شاه به مذهب تشیع شد (ابن الوردی، ۳۸۱/۲)
- ۲- به نقل از مقدمه سید طیب موسوی جزایری بر کتاب «کشف الاسرار فی شرح الاستبصار» سید نعمت الله جزایری که از کتاب فرائد الاصول، التنبیه الثانی نقل کرده است.
- ۳- حسن الامین اعتقاد دارد که آنان بر این باورند که «حلال محمد حلالاً الی یوم القیامه و حرام محمد حراماً الی یوم القیامه» (الامین، ۲۲۰)
- ۴- درباره برخی از محدثین برجسته ارومیه نگ: مهدی مهریزی، «میراث بانان حدیث در ارومیه»، مجله‌ی قرآن حدیث، میراث حدیث شیعه، دفتر دوازدهم، ص ۷-۱۰
- ۵- آیت الله قریشی به نقل از آیت الله محمدامین رضوی از علمای معاصر آیت الله عرب‌باغی خاطره‌ای نقل می‌کند و در آن می‌گوید: روزی آیت اله عرب‌باغی در حضور من [منظور آیت الله رضوی] گفت که اگر شیخ انصاری ریش خود را با مرکب آلوده می‌کرد و روی کاغذ می‌کشید بهتر از نوشتن کتاب رسائل بود» (خاطرات آیت الله سید علی اکبر قرشی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۸، ص ۸۴-۸۵)

منابع

- آقابزرگ طهرانی، محمدمحسن، (۱۹۸۳/۱۴۰۳)، «الذریعة الی تصانیف الشیعه»، ج ۱۶، چاپ علی نقی منزوی و احمد منزوی، بیروت، ج اول.
- آل‌سیدغفور، سیدمحسن، (۱۳۸۴)، «جایگاه عالم دینی در دو مکتب اصولی و اخباری»، قم، موسسه بوستان کتاب، ج اول.
- الدر، جان، (۱۳۶۴)، «تاریخ میسیون آمریکایی در ایران»، ترجمه: سهیل آذری، تهران، نور جهان، ج اول.
- ابن وردی، زین‌الدین عمر، (۱۳۸۹ق/۱۹۷۰م)، «تتمه المختصر فی اخبار البشر (تاریخ ابن الوردی)»، به کوشش احمد رفعت بدرآوی، بیروت، ج دوم.
- استرابادی، محمد امین، (۱۳۶۳)، «الفوائد المدنیة»، قم، دارالنشر لاهل البیت، ج دوم.
- ادیب الشعراء، میرزا رشید، (۱۳۴۵) «تاریخ افشار»، به کوشش محمد رامیان، پرویز شهریار افشار، شورای مرکزی شاهنشاهی آذربایجان غربی، ج اول
- الگار، حامد (۱۳۸۸) «اخباریه»، دایره المعارف جهان نوین اسلام، ج ۱، سرویراستار انگلیسی: جان ل. اسپوزیتو، ترجمه، تحقیق و تعلیق: حسن طارمی، محمد دشتی و مهدی دشتی، تهران، نشر کتاب مرجع و نشر کنگره، ج اول
- امیر ارجمند، سعید، (بی تا)، «ظل الله و امام غائب: دین، نظام سیاسی و تغییر اجتماعی در ایران از آغاز تا سال ۱۸۹۰»، بی جا.
- الامین، حسن، (۱۴۰۳ق/۱۹۸۳)، «دایره المعارف الاسلامیه الشیعه»، المجلد الثانی، سوریه، دارالتعارف للمطبوعات، الطبع الثالث.

- برومند، صفورا، (۱۳۸۱)، «پژوهشی بر فعالیت انجمن تبلیغی کلیسا در دوره قاجاریه»، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر، چ اول.
- بهشتی، ابراهیم، (۱۳۹۰)، «اخباریگری (تاریخ و عقاید)»، قم، موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، چ اول.
- تنکابنی، محمد بن سلیمان، (۱۳۸۳)، «قصص العلما»، به کوشش محمدرضا برزگر خالقی و عفت کرباسی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چ اول.
- جزایری، نعمت الله بن عبدالله، (۱۳۸۹)، «الشرح الكبير على الصحيفه السجديه»، تحقیق حسین تقی زاده، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، پژوهشکده باقر العلوم، چ اول.
- جعفریان، رسول، (۱۳۸۰)، «تاریخ تشیع در ایران»، قم، انصاریان، چ دوم.
- جونز، سرهارفورد، (۱۳۸۶)، «روزنامه سفر خاطرات هیئت اعزامی انگلستان به ایران»، ترجمه: مانی صالحی علامه، تهران، ثالث، چ اول.
- حسنی، غلامرضا، (۱۳۸۴)، «خاطرات حجه الاسلام حسنی امام جمعه ارومیه»، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چ دوم.
- خاطرات آیت الله سید علی اکبر قرشی، (۱۳۸۸)، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چ اول.
- خوانساری، محمدباقر بن زین العابدین، (۱۳۹۰-۱۳۹۲)، «روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات»، چاپ اسدالله اسماعیلیان، قم، چ سوم.
- دهقان، علی، (۱۳۴۸)، «رضائیه سرزمین زردشت»، تهران، ابن سینا، چ اول.
- راتیسلاو، آلبرت رابرت، (۱۳۸۶)، «یک کنسول در شرق، خاطرات جنرال کنسول انگلستان از انقلاب مشروطیت ایران و زندگی سیاسی خودش همراه با تصاویر»، ترجمه: دکتر رجبعلی کاوانی، تهران، مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، چ اول.
- رامیان، محمود، محمد تمدن، (بی تا)، «بزرگان و سخن سرایان آذربایجان غربی»، بی جا، بی نا.
- رهایی شهرضایی، یحیی، (۱۳۷۷)، «بهبهانی، آقا سید محمدباقر»، دانشنامه جهان اسلام، ج ۴، تهران، انتشارات دانشنامه جهان اسلام، چ اول.
- رینگر، مونیکا، (۱۳۸۱)، «آموزش، دین، و گفتمان اصلاح فرهنگی در دوران قاجار»، ترجمه: مهدی حقیقت خواه، تهران، ققنوس، چ اول.
- سپهر، محمدتقی، (۱۳۸۹)، «ناسخ التواریخ»، به کوشش جمشید کیانفر، تهران، اساطیر، چ دوم.
- شمیم، علی اصغر، (۱۳۸۷)، «ایران در دوره سلطنت قاجار»، تهران، بهزاد، چ پنجم.
- شهرستانی، ابی الفتح محمد بن عبدالکریم بن ابی بکر احمد، (۱۴۱۰ ه.ق)، «الملل و النحل»، تحقیق: عبدالامیر علی مهنا و عیسی حسن فاعور، بیروت، دارالمعرفه، الطبع الاولی.
- صدر، سید محمدباقر، (۱۳۸۷)، «المعالم الجدیدة للاصول»، مترجم: مصطفی جباری، سمنان: دانشگاه سمنان، چ اول.

- طارمی، حسن (۱۳۷۵) «بحرانی، یوسف»، دانشنامه جهان اسلام، ج ۳، تهران، انتشارات دانشنامه جهان اسلام، چ اول.
- طوسی، ابی جعفر محمد بن حسن (شیخ طوسی)، (۱۳۷۶)، «العهده فی اصول الفقه»، تصحیح محمدرضا انصاری قمی، قم، ستاره، چ اول.
- عضدالدوله، احمد میرزا قاجار، (۱۳۵۵)، «تاریخ عضدی»، با توضیحات و اضافات: عبد الحسین نوایی، تهران، نشر بابک، چ اول
- فیض کاشانی، محسن، (۱۳۹۷ق)، «سفینه النجاة»، ترجمه: م. ر. تفرشی نقوسانی، تهران، نشر چکامه، چ اول.
- قزوینی رازی، عبدالجلیل بن ابوالحسن، (۱۳۹۱)، «بعض مثالب النواصب فی النقض بعض فضائح الروافض»، تصحیح: میر جلال الدین محدث ارموی، به کوشش: محمد حسین درایتی، قم، موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، چ اول
- قیصری، احسان، (۱۳۷۵)، «اخباریان»، دایره المعارف بزرگ اسلامی، ج ۷، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران، مرکز نشر دائرة المعارف بزرگ اسلامی، چ اول
- کیخسرو اسفندیار بن آذر کیوان، (۱۳۶۲)، «دبستان مذاهب»، تهران، کتابخانه طهوری، چ دوم
- گزیده اسناد روابط ایران و آمریکا (۱۸۵۱-۱۹۲۵م) (۱۳۷۵) به کوشش: سیدعلی موجانی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، چ اول.
- مادلونگ، ویلفرد، (۱۳۷۵)، «مکتب‌ها و فرقه‌های اسلامی در سده‌های میانه»، ترجمه: جواد قاسمی، مشهد، آستان قدس رضوی؛ مرکز پژوهش‌های اسلامی، چ اول.
- محمد، تمدن، (۱۳۵۰)، «اوضاع ایران در جنگ جهانی اول یا تاریخ رضائیه»، تهران، اسلامیه.
- مشار، خانابا، (۱۳۴۰-۱۳۴۴)، «مؤلفین کتب چاپی»، تهران، شرکت سهامی چاپ رنگین، چ اول.
- مشکور، محمدجواد، (۱۳۶۸)، «فرهنگ فرقه‌های اسلامی»، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، چ اول.
- مطهری، مرتضی، (۱۳۶۲ - ۱۳۷۳)، «اسلام و مقتضیات زمان»، تهران، صدرا، ج ۲، چ ششم
- ملاصدرا، (۱۳۶۷)، «شرح اصول الکافی»، به کوشش: محمد خواجوی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، چ اول.
- موجانی، علی، (۱۳۷۴)، «بررسی مناسبات ایران و آمریکا (۱۸۵۱-۱۹۲۵ میلادی)»، تهران، وزارت امور خارجه؛ موسسه چاپ و انتشارات، چ اول.
- موسوی عرب باغی، سید حسین، (۱۳۹۰)، «علم الیقین در فضایل امیر المؤمنین علیه السلام، کشف الیقین در مناقب امیر المومنین علیه السلام، مناهج العارفین فی تعیین الراسخین»، تحقیق: حاج سید حسن موسوی، قم، انتشارات اکرام، چ اول.

- (۱۳۴۷)، «قواعد الاسلام در بیان دین اسلام»، بی جا، چاپخانه حیدری، چ اول.
- ناطق، هما، (۱۳۸۰)، «کارنامه فرهنگی فرنگی در ایران، (۱۹۲۱-۱۸۳۷)» با مقدمه: فریدون آدمیت، تهران، مؤسسه فرهنگی هنری، معاصر پژوهان، چ دوم.
- نیومن، اندرو جی، (۱۳۸۶)، «دوره شکل گیری تشیع دوازده امامی؛ گفتمان حدیثی میان قم و بغداد»، مترجمان: مهدی ابوطالبی، محمدرضا امین و حسن شکراللهی، قم، انتشارات شیعه شناسی، چ اول.
- سیلسون، آبراهام، (۱۳۶۸)، «روابط سیاسی ایران و آمریکا»، ترجمه: محمدباقر آرام، تهران، امیرکبیر، چ اول.

مقالات

- تاج الدینی، ژاله (۱۳۸۹) «رساله تنبیه الغافلین درباره اصولی و اخباری آقا احمد بهبهانی»، نشریه پیام بهارستان سال سوم زمستان شماره ۱۰.
- شریفی، احمد حسین (۱۳۸۳) «عقل از دیدگاه اخباریان شیعه»، فصلنامه شیعه شناسی، شماره ۶.
- مسعودی، محمد مهدی (۱۳۸۹) «سید عبد الله شبر در نزاع اصولی و اخباری»، نشریه علوم حدیث، شماره ۵۵.
- مطهری، مرتضی (۱۳۴۰) «اصل اجتهاد در اسلام»، نشریه مکتب تشیع، شماره ۶.

اینترنت

- وصیت نامه پیشوای بزرگ اسلام مرحوم آیت الله عرب باغی، تاریخ دسترسی ۹۲/۳/۱۵
<http://www.hajnazem.blogfa.com/post-69.aspx>